

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه
۰۲ اگست ۲۰۲۳



یونس نگاه

افغانستانی در داخل پاکستان

یک روز پس از حمله انتحاری خونبار در منطقه باجور، رسانه‌های پاکستان به پوشش خبرهای عادی برگشته‌اند و از آن حادثه خونین فقط تعدادی خبر و گزارش باقی مانده است. گویا اتفاق جنائی در یک گوشه دور افتاده و فراموش شده رخ داده است که چندان به اسلام‌آباد و لاهور و کراچی نشینان ارتباط نمی‌گیرد. تصور کنید اگر آن حمله در اسلام‌آباد یا حتا مرکز شهر پیشاور رخ می‌داد، ده‌ها کشته و صدها زخمی برجا می‌گذاشت، آنگاه پژواک آن روزها در گوش حاکمان پاکستان و باشندگان شهرها و کارکنان ادارات آن کشور طنین می‌انداخت و زنگ‌های خطر بسیار بلندتر به صدا می‌آمد. تجربه اتفاقات مشابه در گذشته را به یاد داریم و می‌دانیم که حملات مشابه در مناطق نزدیک به شاه‌رگ‌های سیاسی و اقتصادی اسلام‌آباد چقدر حساسیت و واکنش در پی دارد.

حاکمان اسلام‌آباد قدرت‌گیری تروریستان را در کابل جشن می‌گیرند. جشن‌شان از آن رو نیست که قدرت‌گیری طالبان در کابل، حرکت اسلام‌آباد را به سوی امارت و طالبانی شدن تسهیل می‌کند و سیاست‌مداران و جنرالان آن کشور از تماشای الگویی در کابل به فردای طالبانی کشور خود امیدوار شده باشند، بلکه اعلام پیروزی بر همسایه و مردمی است که به رغم مشترکات بسیار اقتصادی، فرهنگی و تاریخی، در سوی دیگر یک خط فرضی سیاسی زندگی می‌کنند و رقیب پنداشته می‌شوند. در داخل پاکستان نیز مرزهای جغرافیائی، طبقاتی، فرهنگی و قومی وجود دارد و حاکمان معتاد به توطئه و تروریست‌پروری در آن کشور، بخش‌هایی از آن سرزمین را پاکستانی‌تر و وطن‌تر از مناطق دیگر می‌دانند. روحیه حاکمان پاکستان نسبت به مناطق قبایلی از جمله باجور که کنار مرز افتاده، متأثر از سیاست‌های بازمانده از دوران حاکمیت هند بریتانوی است. در آن زمان، به این مناطق چون بخشی از سرزمین هند بریتانوی دیده نمی‌شد. آن مناطق دیوار حایل و حفاظ سرزمین اصلی شبه‌قاره بود و برای توسعه آن مناطق و ادغام سیاسی و فرهنگی ساکنان آن

با سرزمین اصلی تلاشی نمی‌شد. دولت پاکستان هنوز به آن مناطق چون خاک مقبوضه و پینه ناساز به تن سرزمین اصلی، نگاه می‌کند. متأسفانه این روحیه بر باشندگان سرزمین اصلی پاکستان و رویه رسانه‌ها نیز اثر گذاشته است. این امر بحران ناامنی و تروریسم را در دو سوی خط دیورند پیچیده‌تر کرده است و به نظر می‌رسد سیاست‌گذاران اردو و استخبارات پاکستان پذیرفته‌اند که افغانستان خارجی و داخلی داشته باشند، و هر گاه آتشی در کابل شعلهور می‌شود، مناطق قبایلی و بخش‌هایی از بلوچستان چون پرخچه‌گیر عمل کنند. از این رو، تا زمانی که بدنه اصلی پاکستان، به‌خصوص پنجاب و تعدادی از شهرهای بزرگ مصون باشند، تروریسم مدیریت‌شدنی و «مفید» پنداشته می‌شود. نیروهای ضد طالب در پاکستان، اردوی آن کشور را متهم به شعلهور نگه‌داشتن آتش جنگ و تروریسم در بخش‌های شمال‌غربی کشور می‌کنند. این سخن را تحلیل‌گران و سیاست‌مداران معترض به تکرار در رسانه‌ها گفته‌اند و اکنون در بیشتر محافل و جلسه‌های جنبش تحفظ پشتون و برخی سازمان‌ها و نهادهای معترض دیگر هر روزه بیان می‌شود. اما ترس گسترش این آتش در سراسر پاکستان وجود دارد. گمان نمی‌رود در حالی که طالبان‌نیم و انتحارگرایی در افغانستان و مناطق قبایلی سال‌ها شعلهور باشد، شهرها و روستاهای اطراف این سرزمین به زندگی آرام ادامه داده بتوانند. ظرفیت مرزهای جغرافیایی، فرهنگی و قومی برای جلوگیری از ریزش تشنج‌ها و فجایع سیاسی، حتا از نوع مدیریت‌شده‌ای که امروز در افغانستان و شمال‌غرب پاکستان جریان دارد، محدود است. شکست تروریسم در پاکستان، بدون شکست طالبان در افغانستان ممکن نیست.